http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir
ایران فرهنگی

گفت‌وگو با علی‌اکبر والایی، داستان‌نویس

روایت بیم‌ها و امیدهای مسافر کربلا در «عمود ۱۴۰۰»

علی‌الله سلیمی
نویسنده و منتقد ادبی

علی‌اکبر والایی از نویسندگانی است که داستان‌نویسی را از حدود سال ۶۴ شروع و از سال ۶۵ نیز همکاری‌اش را با برنامه قصه ظهر جمعه رادیو آغاز کرد. او نویسندگی این برنامه را با وقفه‌هایی چندساله به‌مدت دوازده سال ادامه داد و همزمان با نوشتن قصه، بیش از ۳۰۰ نمایشنامه هم برای رادیو نوشت. بیشتر آثارش را پیش از چاپ در ماهنامه‌های ویژه نوجوانان مانند مجلات رشد، سوره نوجوان، سروش نوجوان، آینده سازان منتشر کرد. والایی سال ۱۳۶۸ اولین اثرش را که یک داستان بلند است، به چاپ رساند. از آثار منتشر شده وی می‌توان به «سرزمین خدایان» (داستان بلند)، «مشق خاکی» (مجموعه داستان)، «غریب دریا» (داستان بلند)، «دستی از دور» (مجموعه داستان)، «فرزندان صحنه» (رمان)، «باد در گیسوان آتش» (رمان تاریخی)، «رسته سنگ اندازان» (مجموعه داستان)، «مردی از مدینه فاضله» (رمان تاریخی)، «آوای پرستوها» (مجموعه داستان)، «ایستگاه» (مجموعه داستان)، «آن سوی تاریکی» (مجموعه داستان)، «پرستوی سال‌های جنگ» (زندگی داستانی)، «نغمه ساز فاراب» (رمان تاریخی)، «علامه مجلسی» (رمان تاریخی)، «نشان سیمرغ» (مجموعه داستان)، «آهوی آدم» (مجموعه داستان)، «مردی از جنس حریر» (زندگی داستانی)، «خلوت مدیر» (رمان) اشاره کرد. این نویسنده تا به حال جوایز متعددی هم برای کتاب‌هایش دریافت کرده که از میان آنها می‌توان به کسب رتبه در چهارمین جشنواره کتاب کانون پرورش فکری، کسب رتبه اول کتاب سال ماهنامه سوره نوجوان، کتاب برگزیده جشنواره رشد، برگزیده شدن در جشنواره کانون پرورش فکری و نخستین همایش فرهنگی تهران- فلسطین اشاره کرد. از جدیدترین کتاب‌های علی‌اکبر والایی، اثری با عنوان «عمود ۱۴۰۰»؛ سفرنامه کربلا، شرح پیاده روی اربعین توسط این نویسنده است. درباره کتاب سفرنامه پیاده روی اربعین و زندگی و آثار این نویسنده با او گفت‌وگو کرده‌ایم.

hvaslir

■ **کتاب «عمود ۱۴۰۰»، سفرنامه پیاده روی اربعین به قلم شماست که بعد از انتشار مورد توجه خوانندگان قرار گرفته و در کارنامه ادبی شما هم جزو آثار مهم و ماندگار محسوب می‌شود. درباره نامگذاری این اثر و ویژگی‌های آن توضیح دهید.**

برای نامگذاری کتاب به‌عنوان «عمود ۱۴۰۰» خیلی فکر کردم و بابت این انتخاب هم دلایل مختلفی دارم. یکی از دلایل آن این بود که تعداد تیرک چراغ‌هایی که از نجف تا کربلا وجود دارد ۱۴۰۰ تیرک است. از سوی دیگر، تیرکی که به بارگاه سیدالشهدا(ع) ختم می‌شود «تیرک ۱۴۰۰» نام دارد، دوم اینکه در زمان انتشار این اثر، از حادثه عاشورا حدود ۱۴۰۰ سال می‌گذشت. درباره چگونگی سفرم به کربلا هم باید بگویم که یک حدیث از امام رضا(ع) در ذهنم وجود داشت به این مضمون که «کسی که میهمان امام رضا(ع) هست باید بیاید بارگاه من را زیارت کند»؛ تا اینکه به‌صورت اتفاقی در مسابقه‌ای که در بنیاد نخبگان بود شرکت کردم. بعد از مدتی به من اطلاع دادند که شما در این مسابقه برنده شدید و جایزه شما هم زیارت بارگاه امام رضا(ع) است. این برگزیده شدنم و آن حدیث باعث شد به فکر سفر به کربلا بیفتم و این شد که به این سفر معنوی رفتم. درباره این کتاب هم باید بگویم که سعی کردم در این اثر خیلی به روایت صرف توجه نکنم و بنابراین هرجا نیاز به تحلیل بوده آن را تحلیل کردم. به بیان دیگر، در این سفرنامه کربلا، تحلیل در کنار روایت صرف آمده است. بنابراین در راستای شرح ساده حس‌های درونی‌ام تلاش کردم. این درحالی است که این اثر تمام آنچه را یک سفرنامه جامع و کامل باید داشته باشد، دارد. نگاهی جزئی‌نگر به همه اتفاقات این سفر داشتم. این نخستین سفرنامه کربلاست که به قلم من نوشته شده است. البته این را هم باید یادآوری کنم که سفرنامه گونه‌ای ادبی است که در آن شخصی که به سرزمین‌های دیگر سفر کرده است، دیده‌ها، شنیده‌ها، تجربه‌ها، رخدادها و احساساتش را درباره آن سرزمین‌ها، برای آگاه کردن دیگران در قالب کتابی می‌نگارد. سفرنامه زیارت، اما حال و هوایی دیگر دارد. بخصوص اگر سفرنامه اربعین اباعبدالله الحسین(ع) باشد. برای همین کتاب «عمود ۱۴۰۰» روایت بیم‌ها و امیدهای مسافری است که برای کسب توفیق زیارت، در انتظار اتفاقی غریب است. این کتاب حکایت لحظه لحظه حضور است در مسیر عشق حسین(ع)، هم‌نوایی و هم‌صدایی با دیگر عاشقانش، شمردن گام‌ها و ستون‌هایی که تو را از اربابت دور و به او نزدیک می‌کند...! خلاصه اینکه این سفرنامه من برشی است از قلب من؛ که از سفر پررمز و راز اربعین و دیار عشق برای خوانندگان به ارمغان آورده است.

■ **با گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، آثار ادبی متعددی با موضوع انقلاب اسلامی و دفاع مقدس توسط نویسندگانی از چند نسل تألیف و منتشر شده است. با توجه به این که شما هم آثار متعددی در این زمینه دارید، وضعیت امروز این بخش ادبیات‌مان را چگونه می‌بینید؟**

در این زمینه اگر به گفته‌های مسئولان مربوطه رجوع کنیم، می‌بینیم آنها بارها در رسانه‌های مختلف اعلام کرده و باز تکرار می‌کنند که از آثار داستانی مرتبط با موضوع انقلاب اسلامی حمایت‌های آنچنانی شده و می‌شود، اما متأسفانه در عمل خبر چندانی از این وعده‌ها نیست. اگر هم حمایتی انجام شده، به شکل واضح و شفاف نیست. یعنی ابهاماتی در این زمینه وجود دارد که باید به آنها پاسخ داده شود. به‌عنوان مثال، باید به‌صورت شفاف اعلام شود که این حمایت‌ها به کدام‌یک از آثار منتشر شده یا در حال انتشار تعلق گرفته است. باید آمار دقیقی در این زمینه داشته باشیم که مشخص کند به چه کتاب یا نویسنده‌ای چه میزان از این حمایت‌ها اختصاص یافته است. در آن صورت خیلی از ابهامات در این بخش برطرف می‌شود. بارها شاهد بوده‌ایم که مسئولان فرهنگی اعلام کرده‌اند بودجه‌های قابل توجهی به نویسندگان و آثار ادبی همسو با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی تعلق گرفته است، اما من به‌عنوان کسی که در این حوزه کار می‌کنم، حمایتی در این زمینه ندیده‌ام. یکی از کتاب‌های من با عنوان «خلوت مدیر» که یک رمان با موضوع انقلاب اسلامی است، بعد از انتشار در چندین جشنواره ادبی جزو آثار راه یافته به فینال این جشنواره‌ها بوده، اما در عمل هیچ‌گونه حمایتی از این اثر صورت نگرفته است. نویسنده این گونه آثار وقتی چنین بی‌مهری‌هایی را از سوی مسئولان مربوطه می‌بیند، به نوعی از ادامه کار دلسرد می‌شود. هر چند کار کردن در این حوزه، نوعی دلبستگی و اشتیاق قلبی محسوب می‌شود، اما لازم است حمایت‌هایی هم صورت گیرد تا تحرک بیشتری در این حوزه دیده شود.

■ **به‌نظر شما در این زمینه و با شرایط فعلی چه کار می‌شود کرد تا ادبیات داستانی انقلاب تحرک بیشتری به خود گیرد و اشتیاق نویسندگان در این بخش افزایش یابد؟**

راهکارهای زیادی را می‌شود به کار گرفت که من در این جا تنها به یکی از آنها اشاره می‌کنم. به‌عنوان مثال، می‌شود از ناشران بخش خصوصی که در زمینه چاپ و نشر آثار مرتبط با موضوع انقلاب اسلامی فعالیت می‌کنند، حمایت‌های لازم صورت گیرد که در آن صورت می‌توان به پویایی این بخش امید بیشتری داشت. مسئولان می‌توانند حمایت‌های تشویقی از ناشران بخش خصوصی فعال در این زمینه را در دستور کار خود قرار دهند که همین مسأله باعث تشویق آنها و در نتیجه عملکرد بهتر این گروه از ناشران در زمینه چاپ و نشر کتاب‌های مرتبط با موضوع انقلاب اسلامی شود.

■ **با توجه به تعاریف متعدد درباره ادبیات انقلاب اسلامی، شما مشخصه اصلی این ادبیات را چه مواردی می‌دانید؟**

مشخصه اصلی ادبیات انقلاب اسلامی، اسلامیت و دینی بودن آن است. این همان نوعی است که جنس انقلاب اسلامی را با انقلاب‌های دیگر جهان، متمایز ساخته است. این ادبیات نه با پیروزی انقلاب، بلکه در حقیقت، در نگاهی ژرف‌تر، پیشترها با ظهور اسلام، شکل و قوام یافته است و اگر باورمان بر مادر بودن ادبیات در تحولات عظیم اجتماعی و سیاسی قرار بگیرد، این بزرگان ادب و هنر ما همچون مولانا و شمس و سعدی و حافظ و فردوسی بودند که در طی قرون، ادبیات امروز ما را بنیان نهادند. این فرزانگان ماهیت ادبیات فارسی را با تعالیم و معارف متعالی دینی آمیخته و شکل غنا یافته‌ای از ادبیات را که امروز شاهد آن هستیم پدید آورده‌اند. در حقیقت به بن مایه تعالی خواه ادبیات فارسی، روح عرفان اسلامی و معنویت الهی دمیده شد و آن را به نهایت کمال مطلوب رساند. آن گونه که اکنون تفسیری روشن و جامع از معارف اسلام و ادبیات دینی مکتب اسلام، تنها با ترجمه و برگردان از زبان فارسی به عربی و دیگر زبان‌های جهان مقدور و میسر است. به عبارتی اسلام در ادبیات ایرانی به‌گونه‌ای، به سطحی از پالایش معنایی می‌رسد و سپس با شکل زلال یافته به فراسوی مرزهای جهانی ارائه می‌شود. این حقیقت مسلم، متأثر از تأثیر شگرف انقلاب بر ادبیات ایران است و این تنها محتوایی و معنایی نیست بلکه تأثیری در فرم هم هست. ادبیات انقلاب، در انتقال مفهوم و پیام به هیچ وجه از مدل‌های غربی و وارداتی تبعیت نمی‌کند. این ادبیات متأثر از ارزش‌های انقلاب اسلامی، لاجرم فرم و شکل مناسب خود را پی‌ریزی می‌کند. هر مظروفی، ظرف خاص خود را می‌طلبد. پرداختن به مضامین غیر اخلاقی و از اسرار مگو گفتن، نشر اندیشه‌های شیطانی، پوچ‌گرایی و ماده پرستی و ترویج اندیشه‌های مادی، به هیچ نحو ممکن، در این نوع از ظرف ادبی جایی ندارند. اینجاست که فرم در خدمت مضمون و محتواست. یعنی بخشی از جاذبه‌های فنی فرم رایج در مدل نگارش ادبیات غربی، در ادبیات اصیل انقلاب، محلی از اعراب ندارد. نویسنده ادبیات انقلاب، با نوعی پالایش درونی، خود را به اندیشه ناب الهی و اسلامی نزدیک می‌سازد و با هدف پرداختن به ارزش‌های معنوی، از سویی با رشد و تعالی اندیشه خود، بضاعت‌های فردی خود را تقویت می‌کند و از سویی در آثاری که می‌آفرینند، به طرح نیازهای اصیل بشری می‌پردازد.

> همه موضوعاتی که با حیات بشر و اندیشه او سروکار دارند، اهمیت دارد. اما در عین حال، فکر می‌کنم از جهاتی، در حال حاضر موضوعات اجتماعی، تاریخی و دفاع مقدس، اهمیت بسزایی دارند. موضوعات اجتماعی از این‌رو که ما مردمی اخلاق‌گرا داریم، حائزاهمیت هستند

■ **سوژه‌یابی برای نوشتن مضامینی از این دست برای شما چگونه رقم می‌خورد؟**

وقتی کاری از طرف ناشر سفارش داده می‌شود که انتخاب موضوع تا حدی منتفی است. اما در غیر این صورت، تجربیات زندگی، مطالعات آزاد و حتی تحقیقاتی و علایق شخصی، راه را برای انتخاب هموار می‌کنند. اما در مورد آماده‌سازی و صرف زمان، بسته به نوع اثر متفاوت است. از نظر زمان، یک کار خلاق با یک کار بازنویسی یا بازآفرینی شده تفاوت‌های آشکار دارند. همان‌طور که نگارش مجموعه داستان با نوشتن رمان تفاوت دارد. البته سرعت قلم در افراد مختلف، تفاوت دارد. برای من، نوشتن رمان، از نوشتن یک مجموعه داستان، آسان‌تر است. وحدت موضوع و طرح یکپارچه رمان، تأثیر زیادی در سرعت پیشرفت آن دارد. تجربه، ثابت کرده که زمان خلق اثر تا مرحله تولید و تکمیل آن در رمان، اغلب کوتاه‌تر از مجموعه داستان است. وقتی یک داستان کوتاه می‌نویسم، فاصله زیادی می‌افتد تا داستان بعدی را شروع کنم و ادامه بدهم تا اینکه چندین داستان بشود و بتوانم یک مجموعه را آماده کنم. اما در مورد رمان این‌طور نیست. اغلب، کار پیوسته صورت می‌گیرد. ایجاد وقفه در زمان نوشتن رمان، نه منطقی است و نه امکان‌پذیر. چون حس و حالی که موقع نوشتن اثر پیش می‌آید، با ایجاد وقفه عمدی و یا حتی تصادفی از بین می‌رود و کار به درازا می‌کشد و گاه، قلم فرد نسبت به نوشتن آن سرد می‌شود و دیگر نمی‌تواند کار را به پایان برساند.

■ **به‌نظر شما موضوع با اهمیت برای نوشتن باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟**

به نظرم، همه موضوعاتی که با حیات بشر و اندیشه او سروکار دارند، اهمیت دارد. اما در عین حال، فکر می‌کنم از جهاتی، در حال حاضر موضوعات اجتماعی، تاریخی و دفاع مقدس، اهمیت بسزایی دارند. موضوعات اجتماعی از این‌رو که ما مردمی اخلاق‌گرا داریم، حائزاهمیت هستند. عرف و سنت‌های ملی و آموزه‌های دینی به آن هویت فرهنگی می‌بخشد و ما از این بستر می‌توانیم استفاده کنیم و داستان‌های رئال و اجتماعی و تربیتی بنویسیم. البته باید متفاوت از آنچه تا به حال نوشته شده بنویسیم. از آن جهت که کشوری با تمدن کهن داریم. در تاریخ کشور ما، بسیارند کسانی که هنوز هم ناشناخته‌اند. حوادث عبرت‌آموز تاریخی در ایران بی‌شمار رخ داده و جای پرداختن دارد. موضوع دفاع مقدس از همین نوع است که اگر در زمان حال، اهل قلم به آن نپردازند، شاید برای فردا دیر باشد و دیگران که در بطن حوادث حضور نداشته‌اند، از گرد راه برسند و همه چیز را خواسته یا ناخواسته وارونه جلوه دهند.

دفاع مقدس هستند که «مشق خاکی» درونمایه طنز هم دارد. یا رمان «مردی از مدینه فاضله» و رمان «باد در گیسوان آتش»، دو اثر تاریخی هستند که اولی، زندگینامه داستانی استاد ثانی، ابونصر، محمد فارابی است و دومی، مضمونی فرهنگی و سیاسی دارد. ماجرای قیام ملت ایران، علیه قرارداد استعماری ۱۸۹۰ و شرح داستان نهضت تحریم استعمال تنباکو را بیان می‌کند. یک مجموعه داستان درباره موضوع فلسطین کار کرده‌ام که سال‌ها قبل، بر اساس یکی از داستان‌های همین مجموعه، فیلمنامه‌ای برای سیما فیلم نوشتم. کتاب، «رسته سنگ‌اندازان» به انتفاضه اعراب فلسطین و لبنان می‌پردازد. در این اثر، مبارزات هر روزه جوانان فلسطینی با صهیونیست‌ها را دستمایه کارم قرار داده‌ام.

یادداشتی بر کتاب «برنده» نوشته مجید اسدی

حکایت‌ها و گزارش‌های سفر به تاجیکستان

۱ یادداشت

سهیلا یوسفی
نویسنده و ناشر

سفرنامه نویسی، بخشی از دغدغه‌های اهالی قلم است که در پی سفرهای مهم و قابل توجه، به نگارش دیده‌ها و شنیده‌های خود از آن سفر می‌پردازند و حاصل کار، سفرنامه‌های متعددی است که در ادبیات فارسی وجود دارد. یکی از تازه‌ترین آثار در این زمینه، کتاب «برنده» با عنوان فرعی: دیده و شنیده نگاشته‌هایی از بود و باش در تاجیکستان نغز، حاصل سفر مجید اسدی، نویسنده کتاب به تاجیکستان است و ضبط هر آنچه دیده و شنیده است. در این کتاب، نویسنده به‌عنوان یک محقق، جهانگرد، روزنامه نگار و مردم‌شناس ورود پیدا می‌کند که به‌همه چیز کنجکاو است. او حرف‌ها و مخاطباتش را که گاه یک ادیب است، گاه رهگذر، گاه راننده یا آشپز یا قصاب، با دقت تمام گوش می‌کند، در مغزش تجزیه و تحلیل و آن را در حافظه‌اش ضبط می‌کند، اگر این طور نبود این کتاب خلق نمی‌شد. مؤلف این کتاب واژه و ترکیب‌ها را از سر کوچه و خیابان، رستوران، داخل تاکسی یا اتوبوس، میهمانی، فرودگاه، دانشگاه، آکادمی، بازار و... شنیده و در یادش ماندگار کرده است. آنچه کتاب برنده را ارزشمند می‌کند آن است که نویسنده به هیچ اتفاقی بی‌تفاوت نیست؛ تاجیکستان را دوست دارد، به مردمان آن احترام می‌گذارد که این امر از هر سطر گرم آن آشکار است. مؤلف در پیشگفتار کتاب درباره سفر خود به تاجیکستان توضیح می‌دهد و یادآوری می‌کند که حکایت و گزارش‌های مجموعه حاضر بن مایه واقعی داشته و تنها برای خواندنی‌تر شدن کمی پرداخت شده است. اسدی نوشته است، مجموعه حاضر کوته حکایت و گزارش هایی است از خاطرات این دوره به یادماندنی و پرثمر از زندگی ام که به قول تاجیکستانی‌های باصفا می خواهم برنده و راوی آنها برای شما باشم. در حکایات و گزارش‌های ذکرشده این مجموعه که همگی بن‌مایه واقعی دارند علاوه بر اشاره به بخشی از فولکلور تاجیکستان و ثبت آن، بیش از پانصد واژه و اصطلاح رایج در تاجیکستان نغز با جوهره ای از طنز شرح شده است. واژگانی متعلق به خراسان بزرگ که روزگاری همه پارسی زبانان آن را می‌فهمیدند، اما در ایران کنونی کاربرد کمتری دارند و برای بسیاری ناآشنا به‌نظر می‌آیند. خواندن این کتاب برای علاقه‌مندان به زبان فارسی اصیل و فرهنگ خراسان بزرگ بسیار لذت‌بخش است، همین‌طور برای پژوهشگران و علاقه‌مندانی که به مباحث زبان‌شناسی و واژه‌شناسی می‌پردازند. کتاب برنده از سوی انتشارات خردگان در تهران چاپ و منتشر شده است.

ظرفیت‌های گردشگری ادبی را دریابیم

۲ یادداشت

نسیبه توفیقی
داستان‌نویس و منتقد ادبی

هر از چندی همایش‌های گوناگون با موضوع گردشگری ادبی در گوشه و کنار کشورمان برگزار می‌شود که باعث مطرح شدن این مسأله در رسانه‌ها و افکار عمومی می‌شود. این نوع اقدامات موضوع گردشگری ادبی در کشورمان را سرزبان‌ها می‌اندازد و کارشناسان مختلف در این زمینه اظهارهای گوناگونی را مطرح می‌کنند که مجموع آنها حکایت از نارضایتی اهل فن از کم توجهی به این مسأله مهم دارد، البته نارضایتی کارشناسان گردشگری از این مسأله به سال‌ها قبل باز می‌گردد، چرا که با وجود مکان‌های متعدد مرتبط با موضوع ادبیات که جنبه‌های گردشگری هم دارند، هنوز طرح و برنامه ای مدون در این زمینه وجود ندارد که بشود از این ظرفیت بالقوه استفاده بهینه کرد.

در این زمینه، چندی پیش یکی از نشریات گردشگری نوشت، در لندن گردشگران می‌توانند از خانه «چارلز دیکنز» دیدار کنند، خانه‌ای را ببینند که« بنیامین جانسون» در آن اولین لغت‌نامه جامع انگلیسی را نوشت و در مکان‌هایی گام بردارند که لوکیشن داستان‌های پلیسی «شرلوک هلمز» به‌شمار می‌آید. استنفورد، کعبه مشتاقان ادبیات است و مهم‌ترین ویژگی‌اش ، محل تولد شکسپیر است. همچنین ادینبورگ شهر نویسندگان مشهوری است که خالق کاراکترهای شرلوک هلمز و هری‌پاتر بوده‌اند. گردشگران می‌توانند در بخش قدیمی قرون وسطایی ادینبورگ قدم بزنند و کاراکترهای تاریخی- داستانی را در ذهنشان مجسم کنند.

این شهر، یادآور نویسندگان بزرگی همچون «والتر اسکات» و «روبرت لوئیس استیونسون» است. این در حالی است که در کشور ما تعداد چنین مکان‌هایی کم نیست و اگر در هر گوشه از خاک پهناور ایران زمین به جست‌وجوی مکانی مرتبط با شاهکارهای ادبیات فارسی بپردازیم با نمونه برجسته‌ای در این زمینه مواجه می‌شویم که اغلب آنها ظرفیت بالایی در جذب گردشگران ادبی دارند.

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا ما اصلاً گردشگر ادبی داریم یا نه؟ پاسخ به این سؤال هر چه باشد، این نکته را نفی نمی‌کند که در کشور ما مسأله‌ای به نام گردشگری ادبی هنوز جایگاه شایسته و بایسته‌ای را که باید داشته باشد، ندارد، هر چند مکان‌های شناخته شده‌ای مانند آرامگاه حافظ و سعدی در شیراز، باباطاهر در همدان و فردوسی در مشهد و چند مورد مشابه فارغ از هر مسأله، در طول ایام همواره ارادتمندان خاص خود را داشته و دارند. همین مسأله را اگر در گسترده ابرشهر تهران؛ پایتخت ایران اسلامی جست‌وجو کنیم، متأسفانه دستاور چندانی نخواهیم داشت، چرا که این شهر با وجود برخورداری از مکان‌های متعددی که با ادیبان و شاهکارهای ادبیات فارسی پیوند انکارناپذیری دارد، در بخش گردشگری ادبی سهم چندانی ندارد.

مکان‌های تاریخی ارزشمندی مانند خانه های جلال آل احمد، ملک الشعرا بهار، پروین اعتصامی، مهدی اخوان ثالث و چندین مکان مشابه هنوز برای خیلی‌ها ناشناخته است و حتی می‌توان با قاطعیت گفت ساکنان محله‌های مجاور هم از وجود چنین مکان تاریخی ارزشمندی بی‌اطلاع هستند. در مجموع می‌توان گفت گردشگری ادبی در جهان یکی از شاخه‌های پرطرفدار در امور گردشگری است که در کشور ما با وجود مکان‌های متعدد مرتبط با ادیبان بزرگ و شاهکارهای ادبیات فارسی، به‌دلیل نداشتن متولی و کم‌توجهی مسئولان مربوطه هنوز جایگاه واقعی خود را در صنعت گردشگری کشورمان پیدا نکرده است.